



تبلیغ عرفان قرآنی در آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا»

عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در پاسخ به این پرسش که چه نسبتی میان قرآن و عرفان به معنای حقیقی کلمه و جود دارد؟ گفت: در تحلیل نهایی، عرفان باطن دین است.

فنائی اشکوری با اشاره به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا...» (عنکبوت، 69)، گفت: عرفان مضمون همین آیه است که طبق آن برای نیل به حقیقت باید به طهارت درونی رسید.

محمد فنائی اشکوری، عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در پاسخ به این پرسش که چه نسبتی میان قرآن و عرفان به معنای حقیقی کلمه و جود دارد؟ گفت: در تحلیل نهایی، عرفان باطن دین است.

قرآن حقیقت عرفان است

وی ادامه داد: همه ادیان الهی ظاهر و باطنی دارند و ما اعتقاد داریم که ادیان الهی یک رشته متصل و مرتبط به هم هستند و در مراحل مختلف تاریخ ظهور کرده‌اند و آخرین دین الهی هم اسلام است. همه ادیان الهی مشترکاتی دارند و گوهرشان مشترک است. تمام ادیان برای بندگی خدا هستند.

فنائی اشکوری با اشاره به آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...» و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [=فریگیر] بپرهیزید...». (نحل، 36)، گفت: مخاطب همه ادیان الهی از آدم تا خاتم یکسان است.

وی ادامه داد: معرفت خدا و ارتباط با خدا مراتب دارد. یک سطح باطنی و ظاهر دارد و افراد متناسب با بعد معنوی و روحانی‌شان به درجاتی از فهم و عمل دین نائل می‌شوند. افراد در دین‌شناسی و دینداری یکسان نیستند.

وی تصریح کرد: همان طور که تعالیم ظاهری قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی، برترین تعالیم است، تعالیم باطنی‌اش نیز همین طور است و این یعنی عرفانی که در قرآن آموخته می‌شود، به مراتب عمیق‌تر و متعالی‌تر از انجیل و تورات است. در کتب آسمانی دیگر نیز مضامین عرفانی وجود دارد و آن هم ارزش دارد، اما در قرآن سطح بسیار عمیق‌تر و متعالی‌تری، به عنوان این که این کتاب، کتاب خاتم و ابدی است، وجود دارد.

فنائی اشکوری با بیان اینکه محور قرآن توحید است، گفت: همه تعالیم قرآن بر محور شناخت و بندگی خداست و این بندگی سطح ظاهری دارد که انجام مناسک و عبادات را شامل می‌شود و سطح باطنی‌ای دارد که ارتباط معنوی قلبی با خداست. شناخت خدا نیز سطح ظاهری دارد که اعتقاد به خدای واحد و شناخت صفات را شامل می‌شود و از راه عقل و نقل به دست می‌آید و خداشناسی سطحی باطنی هم دارد، به این معنا که روح انسان تطهیر می‌شود و این با احساس حضور خدا حاصل می‌شود و از راه شناخت شهودی به دست می‌آید.

عرفان، تقوا و هدایت

وی ادامه داد: این شناخت باطنی از راه شهود، تقوا و طهارت به دست می‌آید و عرفان سخنش همین است. عرفان می‌گوید خدا را باید از راه قلبی و باطنی شناخت که غیر از راه عقل و نقل است و شرط رسیدن به آن طهارت درونی است. شخص هر چه استعداد و هوش بالا داشته باشد، اما طهارت درونی نداشته باشد، نخواهد توانست به شناخت باطنی دست یابد.

وی افزود: در ابتدای قرآن می‌خوانیم: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ: این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایی‌هاست». (بقره، 2) این یعنی قرآن متقین را هدایت می‌کند و بین هدایت و تقوا ارتباط وجود دارد و این‌طور نیست که هر کس دانش ظاهری داشته باشد و یا دانش بیشتری داشته باشد، اهل هدایت است. در واقع آن که تقوا دارد اهل هدایت است البته او می‌تواند دانش هم داشته باشد.

فنائی اشکوری همچنین با اشاره به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است» (عنکبوت، 69)، گفت: عرفان مضمون همین آیه است و ادعای دیگری ندارد و می‌گوید برای معرفت صحیح و حقیقت باید به طهارت درونی برسید.

وی تصریح کرد: در شرح آیه «...وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ...» و از خدا پروا کنید، و خدا (بدین گونه) به شما آموزش می‌دهد...» (بقره، 282) آمده است که امام گفته است علم نوری است که خدا در قلب کسانی که بخواهد قرار می‌دهد، این کسان کسانی هستند که اهل تقوا و طهارت هستند.

وی افزود: در آیه دیگری داریم «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ: که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند». (واقعیه، 79) این‌ها معارفی است که در قرآن است و معارف عرفانی چیزی غیر از این‌ها نیست. در عرفان گفته می‌شود باید سیر و سلوک و تهذیب نفس کنید تا به طهارت درونی درست بیابید و معرفت باطنی برای انسان در این صورت حاصل می‌شود.

فنائی اشکوری ادامه داد: از این آیه و آیات دیگر این معارف به دست می‌آید و کسی نمی‌تواند بگوید قرآن با عرفان فاصله دارد و یا بیگانه است. حقیقت عرفان در قرآن است، و اوج عرفان در قرآن است و عرفانی که در قرآن ریشه نداشته باشد معتبر نیست و چیزی است که ما از آن به عرفان کاذب و یا شبه عرفان یاد می‌کنیم.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا گاهی اوقات اختلافاتی که بین برخی علما و عرفان مطرح می‌شود، گفت: عرفای راستین اسلام کسانی هستند که در واقع کوشیده‌اند به معارف باطنی قرآنی راه پیدا بکنند. شما اشاره کردید ما در علما اسلام کسانی را داریم که با عرفان موافق نیستند و فکر می‌کنند عرفان ربطی به قرآن ندارد و پدیده‌ای است که از بیرون جهان اسلام وارد شده است.

وی افزود: این‌جا خلط‌هایی صورت گرفته است. بله این درست است که ما فرقه‌هایی از متصوفه و عرفا را داشته‌ایم که از ادیان دیگر و مکاتب دیگر در اسلام تاثیر گرفته‌اند و برخی از آداب آنها از مسیحیت، هندوئیسم و بودیسم وارد شده است، مثلا رهبانیت یعنی زندگی مجرد و کنار کشیدن از جامعه، ترک ازدواج، ترک خانواده و فقط اشتغال به عبادت و چنین مسائلی چیزهایی است که از بیرون وارد اسلام شده است و اسلام این نوع رهبانیت را نمی‌پذیرد.

فنائی اشکوری ادامه داد: عرفان اسلامی با زندگی و مسئولیت اجتماعی همراه است و این مساله نه تنها با دین فاصله‌ای ندارد، بلکه هر کس که عارف‌تر است، دیندارتر است و به مسائل اجتماعی نیز می‌پردازد. عارف یعنی کسی که مراتب بالایی از دین را دارد، نه این که دین را ندارد. کسی که شناختش از دین سطحی و ظاهری باشد، به عرفان راه ندارد و فکر می‌کند چون خودش باطن دین را نمی‌بیند، دین باطنی ندارد و عرفان چیزی ظاهری است.

وی تصریح کرد: ما در تاریخ فرقه‌های متصوفه که عارفان معروفی بودند که از تعالیم اصلی دین فاصله گرفته بودند و تحت تاثیر آموزش‌های غلط و برخی بدعت‌ها و مکاتب بیرون از جهان اسلام قرار گرفته بودند اما این بدین معنی نیست که ما عرفان نداریم ما حقیقت عرفان را داریم، هر چند ممکن است برخی از مسلمانان برداشت نادرستی از عرفان داشته باشند و یا از مکاتب دیگر تاثیر گرفته باشند و آن را نباید ما به حساب عرفان بگذاریم.

وی با بیان اینکه در هر علمی این روند وجود دارد، گفت: در علم کلام نیز کسانی بودند که برخی عقایدشان غلط بود، مثلا مجسمه خدا را جسم می‌دانستند و این حرف‌ها غلط بود، اما باعث نمی‌شود که کل علم کلام را نادرست بدانیم. علم کلام علم درستی است که با تعالیم قرآن مطابق تعالیم سنت پیامبر رشد یافته است ولی خوب خیلی از متکلمین هم ممکن است در اعتقاداتشان دچار انحراف شوند.

وجود خطا در بین متصوفه دلیل نادرستی عرفان نیست

فنائی اشکوری ادامه داد: در فقه هم ممکن است خطا وجود داشته باشد. یک فقیهی ممکن است فتوای غلط بدهد کما این که ما داریم می‌بینیم فقه‌های وهابی فتوا می‌دهند و می‌گویند طبق سنت پیامبر فتوا می‌دهیم و تمام جنایاتی که فرقه‌های وحشی‌ای مثل داعش انجام می‌دهند، مبتنی بر فتاوی فقهی که علما وهابی می‌دهند. وجود این فتاوی غلط و منحرف معنایش نیست که فقه کلا غلط است. فقه درست است، اما ما چون معصوم نیستیم ممکن است در هر رشته‌ای کلام، فلسفه، فقه و عرفان دچار خطا بشویم. همان طول که نمی‌توانیم فقه را نفی کنیم و بگوییم غیراسلامی است، چون داعش از درونش در آمده است، نمی‌توانیم کلام را نفی کنیم، چون وهابیت مکتبی کلامی است. ما نمی‌توانیم فلسفه و یا عرفان را نفی کنیم و باید کوشش کنیم، به فقه، کلام و عرفان درست دست یابیم و قرآن، سنت و عقل معیار تشخیص درست از نادرست است.

وی در پایان گفت: عرفان حقیقت و باطن قرآن است و اگر عرفان را از قرآن بگیریم، پوسته‌ای از قرآن می‌ماند بدون محتوا و در هر موضوعی همین است و عرفان یعنی معرفت‌الله حضوری و قلبی و نه کتابی و بحثی که سطح ظاهری از معرفت است.